**نام مقاله: بررسي ميزان همخواني سرعنوان هاي موضوعي فارسي با كليد واژه هاي عنوان و فهرست مندرجات كتابهاي فارسي در حوزه هاي علوم انساني، علوم اتماعي، علوم كاربردي و علوم محض**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 39 \_ شماره سوم، جلد 10**

**پديدآور: دكتر رحمه الله فتاحي، شعله ارسطوپور**

**چكيده**

**پژوهش حاضر به منظور بررسي ميزان همخواني سرعنوانهاي موضوعي فارسي با كليدواژه‌هاي به كار رفته در عنوان و فهرست مندرجات كتابهاي فارسي با استفاده از روش تحليل محتوا صورت پذيرفته است. از ميان 88459 كتاب، 472 اثر به عنوان نمونه انتخاب و كليدواژه‌هاي عنوان و فهرست مندرجات آنها استخراج گرديد. پس از مقايسه كليدواژه‌ها با فهرست سرعنوانهاي موضوعي فارسي، مشخص گرديد:‌ 1- از نظر همخواني كامل سرعنوانهاي موضوعي فارسي با كليدواژه‌هاي عنوان وفهرست مندرجات كتابهاي فارسي، تفاوت معناداري ميان حوزه‌هاي موضوعي مورد بررسي به چشم مي‌خورد. 2- از نظر همخواني نسبي و نبود همخواني ميان سرعنوانهاي موضوعي فارسي با كليدواژه‌هاي عنوان و فهرست مندرجات كتابها، ميان حوزه‌هاي مورد بررسي تفاوت معناداري وجود ندارد. 3- از نظر همخواني كامل و همخواني نسبي كليدواژه‌هاي عنوان با كليدواژه‌هاي فهرست مندرجات كتابهاي فارسي، ميان حوزه‌هاي مورد بررسي تفاوتي معنادار وجود دارد. 4- از نظر همخوان نبودن كليدواژه‌هاي عنوان با كليدواژه‌هاي فهرست مندرجات تفاوت معناداري ميان حوزه‌هاي مورد بررسي وجود ندارد.**

**كليدواژه‌ها: سرعنوانهاي موضوعي فارسي، كليدواژه‌هاي عنوان، كليدواژه‌هاي فهرست مندرجات.**

**مقدمه**

مسئله ايجاد يك نظام براي به هم نزديك‌سازي ذهنيت پديدآورنده، استفاده‌كننده و فهرستنويس، از مسائل مهم در امر تدوين سرعنوانهاي موضوعي است. تدوين چنين نظامي در نهايت به ايجاد دسترسي موضوعي مناسب به بخشي از منابع كتابخانه منجر مي‌شود. دسترسي موضوعي مناسب، به معناي ايجاد شرايط لازم از نظر زبان و واژگان اختصاص يافته است؛ واژگاني كه به كاربر در كاوش منابع ياري رساند (مك ايوان، 1379، 49). حال، مشكل از اين‌جا آغاز مي‌شود كه بسياري از سرعنوانهاي موضوعي گاه در برخي زمينه‌ها بسيار ضعيف عمل مي‌كنند؛ بدين معنا كه آنها نه تنها قادر نيستند واژه‌ها و عبارتهاي مناسب زبان پديدآورندگان آثار را پيشنهاد كنند، بلكه شرايط دسترسي موضوعي مناسب با نياز استفاده كننده را نيز فراهم نمي كنند. نتايج معدودي از تحقيقات نشان مي‌دهند بازيابي‌هاي مبتني بر كليدواژه‌ها نتايج به مراتب بهتري نسبت به استفاده از سرعنوانهاي موضوعي براي كاربران در بر دارد. برخي از پژوهشگران اصولاً كاربرد كليدواژه‌ها را در پايگاهها مؤثرتر از واژگان مهار شده دانسته‌اند (شاپوري،1379؛     Gross & Taylor, 2005).

مسلماً دانش حوزه‌اي از طريق مطالعه حوزه‌اي حاصل مي‌شود. بنابراين، مي‌توان مطمئن بود درصد بالايي از واژگاني كه توسط كاربران فهرست براي جستجو به كار مي‌روند، واژگاني هستند كه در مجموعه دانش مكتوب آن حوزه كاربرد داشته و كتاب يكي از محملهاي دانشي هر حوزه است. تحقيقات متعددي در تأييد اين مطلب صورت گرفته است كه «وايلدرموث»[[3]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn3" \o ") ضمن برشمردن برخي از آنها، تأكيد مي‌كند دانش حوزه‌اي افراد كه عموماً برگرفته از متون تخصصي است، نقش عمده‌اي در انتخاب واژگان جستجو دارد(Wildermuth, 2004) . حال، چنانچه فهرستنويس رابط ميان منابع مكتوب و استفاده‌كنندگان باشد، بهتر است از واژگاني استفاده كند كه نه تنها در منابع مكتوب عملاً به كار رفته (و به عبارتي داراي ضمانت ادبي[[4]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn4" \o ") باشد) بلكه در ميان كاربران متخصص نيز كاربرد داشته باشد (به بيان ديگر، ضمانت استفاده[[5]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn5" \o ") توسط كاربران در جستجو را دارا باشد). تنها در اين صورت است كه ارتباط مناسب اثر با خواننده از طريق واژگان موضوعي برقرار خواهد شد. نظر بر اينكه عنوان و فهرست مندرجات كتابها مهمترين منابع براي بازنمون محتواي آثار هستند و در واقع زبان مورد استفاده و رويكرد پديدآورندگان و گاه استفاده‌كنندگان را نشان مي‌دهند، مسئله اساسي پژوهش حاضر اين است كه مشخص نيست ميزان همخواني ميان سرعنوانهاي موضوعي فارسي با كليدواژه‌هاي موجود در عنوان و فهرست مندرجات كتابهاي فارسي چگونه است؟ نيز تفاوت اين همخواني در حوزه‌هاي موضوعي مختلف چيست؟ همچنين، مشخص نيست كه در صورت نبود همخواني ميان سرعنوانهاي موضوعي با عنوان و فهرست مندرجات كتابها، چگونه و تا چه ميزان ارجاعهاي مناسب براي جبران نبود همخواني در نظر گرفته شده است.

**سؤالهاي پژوهش**

پژوهش حاضر با توجه به مسئله مطرح شده، در پي پاسخگويي به 3 سؤال اساسي است:

1.آيا ميان همخواني سرعنوانهاي موضوعي فارسي و كليدواژه‌هاي عنوان كتابهاي فارسي در حوزه‌هاي مورد بررسي تفاوت معناداري وجود دارد؟

2.آيا ميان همخواني سرعنوانهاي موضوعي فارسي و كليدواژه‌هاي فهرست مندرجات كتابهاي فارسي در حوزه‌هاي مورد بررسي، تفاوت معناداري وجود دارد؟

3.آيا ميان ميزان همخواني كليدواژه‌هاي عنوان و فهرست مندرجات كتابها در حوزه‌هاي موضوعي مورد بررسي تفاوت معناداري وجود دارد؟

پژوهش حاضر به سؤالهاي زير نيز پاسخگو خواهد بود:

·    ميزان همخواني كامل ميان سرعنوانهاي موضوعي پذيرفته شده و كليدواژه‌هاي عنوان و فهرست مندرجات در حوزه‌هاي مورد بررسي چگونه است؟

·    ميزان همخواني نسبي ميان سرعنوانهاي موضوعي فارسي و كليدواژه‌هاي عنوان و فهرست مندرجات در حوزه‌هاي مورد بررسي چگونه است؟

·    ميزان نبود همخواني ميان سرعنوانهاي موضوعي فارسي و كليدواژه‌هاي عنوان و فهرست مندرجات در حوزه‌هاي مورد بررسي چگونه است؟

**مروري بر پژوهشهاي انجام شده**

به عنوان يكي از پيشگامان در اين حوزه، «كرايست»[[6]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn6" \o ") (1972) با انجام پژوهشي، تشابه كليدواژه‌هاي علوم اجتماعي با سرعنوانهاي موضوعي كتابخانه كنگره و چگونگي تأثير اين امر را در بازيابي آن منابع بررسي نمود و در نهايت با بيان اين كه سرعنوانهاي موضوعي كنگره 24% از واژه‌هاي مفهومي رايج در حوزه علوم اجتماعي را شامل نمي‌شود، بيان داشت كه نبود يك فهرست منسجم سرعنوان موضوعي جامع بدين معناست كه جستجوگر حتي قادر نيست به جستجوي متون بپردازد.

«فراست»[[7]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn7" \o ") (1989) نيز به بررسي ميزان همپوشاني سرعنوانهاي موضوعي كتابخانه كنگره و واژه‌هاي استخراج شده از عنوان ثبت شده در پيشينه هاي كتابشناختي فهرست كتابهاي كتابخانه دانشگاه ميشيگان پرداخت. يافته‌هاي اين پژوهش بيانگر اين مطلب بود كه 73% واژه‌هاي عنوان، با تمام يا حداقل بخشي از سرعنوان يا تقسيمات فرعي همپوشاني دارد.

«وايز»[[8]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn8" \o ") (نقل در بزرگي، 1377، 31) ميزان روزآمد بودن سرعنوانهاي موضوعي كنگره را مورد بررسي قرار داد. به منظور سنجش ميزان روزآمدي، وي سرعنوانهاي موضوعي را با واژگان كتابهاي تازه منتشر شده مقايسه نمود. معيار مقايسه وي سه درجه اي بود: 1- تطبيق كامل 2- تطبيق بخشي از سرعنوان 3- عدم تطبيق. پژوهش وي نشان داد تطبيق كامل در حد 41%، تطبيق نسبي 52% و عدم تطبيق 8% مي‌باشد.

«كلر»[[9]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn9" \o ") (1992) با رويكردي كاملاً متفاوت، به امكان سنجي استفاده از سرعنوانهاي موضوعي جهت سازماندهي مفهومي پايان نامه ها پرداخت كه با تحليل محتواي پيشينه هاي هر يك از آنها و مقايسه كليدواژه‌هاي عنوانها با اولين سرعنوان اختصاص يافته 64% هماهنگي ديده شد.

واژه‌هاي به كار رفته در فهرست مندرجات كتابها نيز يكي ديگر از مباحث مورد توجه پژوهشگران بوده است. در اين ميان «وينكه»[[10]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn10" \o ") (1998) با هدفي مشابه هدف «وايز»، ميزان محتوانمايي فهرست مندرجات كتابهاي انگليسي را بررسي نمود. هدف اصلي او، سنجش اين مسئله بود كه آيا محتوانمايي عبارتها و واژگان به كاررفته در فهرست مندرجات كتابها به اندازه اي هست كه بتوان آنها را در پيشينه هاي كتابشناختي به كار برد. در نهايت، نتيجه پژوهش وي بيانگر اين مطلب بود كه 75/92 درصد از فهرست مندرجات كتابها، در برگيرندة واژگاني هستند كه به نوعي در سرعنوانهاي موضوعي مطرح نشده اند و مي‌توان آنها را به منزلة مكملي براي سرعنوانهاي موضوعي كنگره به كار برد.

همانند «فراست» (1989)، در سال 2003 نيز پژوهشي موردي توسط «مك كللان»[[11]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn11" \o ")(McClellan, 2003) روي پايگاه OCLC صورت گرفت. در اين پژوهش 232 مورد كتابهاي كمياب موجود در كل پايگاه به عنوان جامعه آماري انتخاب شد. براي اين پيشينه‌ها 791 سرعنوان ـ شامل 428 سرعنوان اصلي و 363 سرعنوان فرعي ـ مطالعه شد كه از اين ميان، كليد واژه‌هاي 69 مورد با واژگان اختصاص يافته به آنها همخواني نداشت. يافته‌اي كه با توجه به كوچك بودن جامعه، جالب توجه بود.

در ايران، «بزرگي» (1370) ميزان سازگاري موضوعها و عنوانها در كتابهاي فارسي را مورد سنجش قرار داد. در اين پژوهش، 1270 عنوان كتاب فارسي بررسي شد كه نتايج آن حاكي از آن بود كه بيشترين سازگاري ميان عنوانها و موضوعها مربوط به رده 400 در رده بندي ديويي (زبان) است كه ميزان آن 90% برآورد گرديد. از طرفي، كمترين ميزان هماهنگي مربوط به رده ادبيات با 36% سازگاري بود.

«بزرگي» (1377) در راستاي پژوهش پيشين خود، به بررسي ميزان همخواني موضوعهاي كتابهاي فارسي منتشر شده با عناوين آنها در بازه زماني 1365 ـ 1375 پرداخت. وي در نهايت به اين نتيجه رسيد كه ميان موضوعات و عنوانهاي كتابهاي فارسي به صورت ميانگين 73% همخواني وجود دارد. به صورت تفكيك شده، بيشترين همخواني در گروه كليات با 87% و سپس علوم كاربردي با 83% مي باشد. اين در حالي است كه كمترين ميزان سازگاري در رده ادبيات با 41% به چشم مي خورد.

**روش پژوهش و جامعه آماري**

اين پژوهش از نوع كاربردي بوده و در بررسي واژگان عنوان و فهرست مندرجات كتابهاي فارسي در جامعه مورد پژوهش، از روش تحليل محتوا استفاده شده است.

البته، با توجه به برخي محدوديتها، از 21 رده موجود كنگره، تعدادي از رده ها كنار گذاشته شده و در نهايت 13 رده از رده‌هاي كتابخانه كنگره براي نمونه گيري كتابها مورد بررسي قرار گرفته است. اين رده ها به ترتيب عبارتند از: B, C, D, G, H, J, K, L, Q, S, T, Z

با انجام جستجو در آخرين لوح فشرده كتابشناسي ملي مربوط به سال 1384 و همچنين به منظور اطمينان از درستي تعداد نهايي، در وب سايت كتابخانه ملي، تعداد نهايي اعضاي جامعه آماري اين پژوهش، 88459 عنوان كتاب بود. اين رده ها به چهار حوزه كلي علوم محض شامل (Q) / علوم كاربردي شامل (S,T) / علوم انساني شامل (B, C, D) با / علوم اجتماعي شامل (BF, G, H, J, K, L, Z)[[12]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn12" \o ") ، دسته‌بندي شده و حجم نمونه برابر 383 عنوان كتاب برآورد گرديد. با استفاده از روش اختصاص سهميه اي حجم نمونه به حوزه‌هاي مختلف موضوعي مشخص و به منظور اطمينان از كفايت داده‌ها، حجم نمونه حوزه‌هايي كه تعداد كتابهاي آنها كمتر از 100مورد بود، هر يك به 100 مورد افزايش يافت.

**ابزار و روش گردآوري داده‌ها**

اين پژوهش بر مبناي يك سياهه وارسي انجام شده است. كد بندي و تدوين سياهه وارسي به عنوان روش سنجش ميزان همخواني كليدواژه‌هاي متن مدارك با واژگان سرعنوانهاي موضوعي، تا كنون توسط محققان داخلي و خارجي استفاده شده و به‌كارگيري اين روش به منزله يكي از راههاي سنجش ميزان همخواني كليدواژه‌هاي متن مدارك با واژگان مهار شده، قبول عام يافته است (بزرگي، 1377 و                            (Frost, 1989; Wise, 1989 . سياهه وارسي مورد استفاده در اين پژوهش، براساس 3 سياهه وارسي از سه پژوهش مختلف تدوين گرديد.

**يافته‌هاي پژوهش**

با استفاده از داده‌هاي گردآوري شده، نتايج و يافته‌هاي مرتبط با سؤالهاي اصلي پژوهش بدين ترتيب است:

سؤال اول پژوهش درباره تفاوت معنادار ميان حوزه‌هاي مورد بررسي از نظر ميزان همخواني سرعنوانهاي موضوعي فارسي و كليدواژه‌هاي عنوان كتابهاي فارسي بوده است كه داده‌هاي جدول شماره 1 بيانگر وجود و يا نبود تفاوت معنادار از نظر ميزان همخواني است.

**جدول1. بررسي وجود تفاوت معنادار ميان حوزه‌هاي موضوعي مورد بررسي از نظر چگونگي همخواني سرعنوانهاي موضوعي باكليدواژه‌هاي عنوان**

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **P** | **df** | **Chi** | **جمع** | **علوم كاربردي** | **علوم محض** | **علوم انساني** | **علوم اجتماعي** |  |
| 001/0 | 3 | 640/16 | 306  (100%) | 41  (4/13%) | 64  (9/20%) | 124  (5/40%) | 77  (2/25%) | **همخواني كامل** |
| 169/0 | 3 | 040/5 | 257  (100%) | 46  (9/17%) | 58  (6/22%) | 85  (2/33%) | 68  (5/26%) | **همخواني نسبي** |
| 340/0 | 3 | 356/3 | 375  (100%) | 85  (6/22%) | 70  (7/18%) | 105  (28%) | 115  (7/30%) | **نبودِ همخواني** |

داده‌هاي جدول 1 بيانگر آن است كه از نظر همخواني كامل سرعنوانهاي موضوعي با كليدواژه‌هاي عنوان، تفاوتي معنادار ميان حوزه‌هاي موضوعي مختلف وجود دارد، در حالي كه از نظر همخواني نسبي و نبودِ همخواني سرعنوانها با كليدواژه‌هاي عنوان، ميان حوزه‌هاي موضوعي مختلف تفاوت معناداري وجود ندارد. بنابراين، از نظر همخواني كامل، با توجه به اينكه در ميان حوزه‌هاي موضوعي موجود، حوزه علوم انساني با 5/40% بيشترين ميزان را به خود اختصاص مي‌‌دهد، مي‌توان بيان داشت كه در شرايط كنوني، براي انتخاب اصطلاحهاي پذيرفته شده در تدوين سرعنوانهاي موضوعي در حوزه علوم انساني، نسبت به ساير حوزه‌ها در استفاده از كليدواژه‌هاي عنوان كتابها توجه بيشتري مي‌شود. در همين راستا، پس از علوم انساني، به ترتيب علوم اجتماعي با 2/25%، علوم محض با 9/20% و علوم كاربردي با 4/13% در رتبه هاي بعدي قرار مي گيرند. به عبارت ديگر، از نظر ميزان توجه تدوين كنندگان سرعنوانهاي موضوعي فارسي به كليدواژه‌هاي عنوان كتابها، به منزله پايه اي براي ساخت موضوعهاي پذيرفته شده، در حوزه علوم انساني نسبت به ساير حوزه‌ها موفق تر عمل شده است. اين در حالي است كه با توجه به نبودِ تفاوت معنادار ميان حوزه‌هاي موضوعي مختلف از نظر نبود همخواني، نمي‌توان بيان داشت از نظر انطباق نسبي سرعنوانهاي منتخب و ارجاعهاي آنها با كليدواژه‌هاي مورد استفاده در عنوان كتابها، تدوين كنندگان سرعنوانهاي موضوعي در كدام حوزه موفق تر عمل كرده‌اند. به عبارت ديگر، ميزان نبودِ همخواني در كدام حوزه موضوعي كمتر از ساير موارد است. تفاوت نتايج پژوهش حاضر در مقايسه با پژوهشهاي مشابه، مي تواند به واسطه تفاوت در گروه بندي داده‌هاي گردآوري شده باشد. وايز (نقل در بزرگي، 1377، 31) ميزان همخواني كامل را 41% دانسته است، در حالي كه بزرگي (1377) ميزان «همخواني» را 87% در گروه كليات، 83% در گروه علوم كاربردي و 41% در حوزه ادبيات برآورد نموده است.

سؤال دوم پژوهش در باره تفاوت معنادار ميان حوزه‌هاي مورد بررسي از نظر ميزان همخواني سرعنوانهاي موضوعي فارسي و كليدواژه‌هاي فهرست مندرجات كتابهاي فارسي بوده كه داده‌هاي جدول 2 بيانگر وجود و يا نبودِ تفاوت معنادار از نظر ميزان همخواني است.

**جدول 2. بررسي وجود تفاوت معنادار ميان حوزه‌هاي موضوعي مورد بررسي از نظر چگونگي همخواني سرعنوانهاي موضوعي باكليدواژه‌هاي عنوان**

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **P** | **df** | **Chi** | **جمع** | **علوم كاربردي** | **علوم محض** | **علوم انساني** | **علوم اجتماعي** |  |
| 001/0 | 3 | 663/16 | 1387  (100%) | 177  (7/12%) | 258  (6/18%) | 550  (7/39%) | 402  (29%) | **همخواني كامل** |
| 158/0 | 3 | 200/5 | 1215  (100%) | 217  (9/20%) | 259  (1/21%) | 392  (1/24%) | 347  (3/24%) | **همخواني نسبي** |
| 994/0 | 3 | 080/0 | 2720  (100%) | 644  (62%) | 712  (9/57%) | 686  (1/42%) | 678  (5/47%) | **نبودِ**  **همخواني** |

داده‌هاي جدول 2 نيز مشابه جدول 1، بيانگر آن است كه ميان حوزه‌هاي موضوعي مختلف از نظر همخواني كامل تفاوتي معنادار وجود دارد. در حالي كه از نظر همخواني نسبي و نبودِ همخواني، ميان هيچ يك از حوزه‌هاي موضوعي تفاوت معناداري به چشم نمي خورد.

با توجه به بالاتر بودن ميزان همخواني كامل در حوزه علوم انساني (7/39%)، چنين نتيجه اي مي‌تواند بيانگر آن باشد كه در وضعيت كنوني از نظر همخواني كامل سرعنوانهاي موضوعي فارسي با كليدواژه‌هاي فهرست مندرجات كتابها، حوزه علوم انساني وضعيت بهتري نسبت به ديگر حوزه‌ها دارد. به عبارت ديگر، تدوين كنندگان سرعنوانهاي موضوعي فارسي در حوزه علوم انساني نسبت به كليدواژه‌هاي موجود در فهرست مندرجات كتابها نيز براي ساخت موضوعات پذيرفته شده توجه بيشتري نشان داده اند. اين در حالي است كه درست همانند داده‌هاي جدول 1، نبود تفاوت معنادار از نظر همخواني نسبي ميان حوزه‌هاي موضوعي مختلف، مي‌تواند بيانگر اين مطلب باشد كه در وضعيت كنوني از نظر همخواني نسبي سرعنوانهاي موضوعي فارسي با كليدواژه‌هاي فهرست مندرجات، هيچ يك از حوزه‌هاي موضوعي مورد بررسي وضعيت بهتري نسبت به ديگر حوزه‌ها ندارد. به عبارت ديگر، نمي‌توان بيان داشت كه تدوين كنندگان سرعنوانهاي موضوعي فارسي در اين زمينه در يك حوزه خاص موفق تر عمل كرده اند. بنابراين، نتيجه نهايي با توجه به داده‌هاي جدولهاي 1 و 2، مبين عملكرد نسبتاً موفق تدوين كنندگان سرعنوانهاي موضوعي در راستاي اجراي اصل ضمانت ادبي در حوزه علوم انساني و پس از آن در حوزه علوم اجتماعي در سطح سرعنوانهاي موضوعي فارسي است. اين در حالي است كه نمي‌توان در نهايت بيان داشت ميزان نبودِ همخواني در كدام حوزه موضوعي كمتر بوده است. لازم به توضيح است، تفاوت يافته هاي مرتبط با اين سؤال ميان پژوهش حاضر و پ‍ژوهشهاي «بزرگي» (1377)، «وايز» (نقل در بزرگي، 1377، 31)، «فراست» (1989) و يا «كلر» (1992) را مي‌توان به اين دليل دانست كه كليدواژه‌هاي مورد بررسي در تمام پژوهشهاي مذكور، مربوط به عنوان مدارك بوده‌اند.

سؤال سوم پژوهش در باره تفاوت معنادار ميان حوزه‌هاي مورد بررسي از نظر ميزان همخواني كليدواژه‌هاي عنوان با كليدواژه‌هاي فهرست مندرجات كتابهاي فارسي بوده كه داده‌هاي جدول شماره 3 بيانگر وجود و يا نبودِ تفاوت معنادار از نظر ميزان همخواني است.

**جدول3. بررسي وجود تفاوت معنادار ميان حوزه‌هاي موضوعي مورد بررسي از نظر چگونگي همخواني كليدواژه‌هاي عنوان با فهرست مندرجات كتابهاي فارسي**

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **P** | **df** | **Chi** | **جمع** | **علوم كاربردي** | **علوم محض** | **علوم انساني** | **علوم اجتماعي** |  |
| 006/0 | 3 | 320/12 | 344  (100%) | 80  (9/17%) | 70  (6/15%) | 172  (4/38%) | 126  (1/28%) | **همخواني كامل** |
| 006/0 | 3 | 465/12 | 144  (100%) | 34  (6/23%) | 19  (2/13%) | 37  (7/25%) | 54  (5/37%) | **همخواني نسبي** |
| 120/0 | 3 | 840/5 | 448  (100%) | 56  (4/16%) | 103  (9/29%) | 105  (5/30%) | 80  (3/23%) | **نبودِ همخواني** |

داده‌هاي جدول 3، از وجود تفاوت معنادار ميان چهار حوزه مورد بررسي از نظر ميزان همخواني كامل و نسبي كليدواژه‌هاي عنوان و فهرست مندرجات كتابها حكايت دارد. از نظر ميزان همخواني كامل كليدواژه‌هاي عنوان با فهرست مندرجات كتابهاي فارسي در حوزه‌هاي موضوعي مختلف، حوزه علوم انساني (4/38%) و حوزه علوم اجتماعي (1/28%) بيشترين همخواني كامل را نسبت به ساير حوزه‌ها نشان مي دهند. به عبارت ديگر، مي‌توان بيان داشت كه كليدواژه‌هاي عنوان كتابها در اين دو حوزه، نسبت به ساير حوزه‌ها، انطباق بيشتري با كليدواژه‌هاي فهرست مندرجات آنها دارد. اين در حالي است كه، از نظر ميزان همخواني نسبي كليدواژه‌هاي عنوان با فهرست مندرجات كتابهاي فارسي در حوزه‌هاي موضوعي مختلف، حوزه علوم اجتماعي (5/37%) و حوزه علوم انساني (7/25%) بيشترين همخواني را نسبت به ساير حوزه‌ها نشان مي دهند. به عبارت ديگر، مي‌توان بيان داشت كه كليدواژه‌هاي عنوان كتابها در اين دو حوزه، نسبت به ساير حوزه‌ها، انطباق نسبي بيشتري با كليدواژه‌هاي فهرست مندرجات آنها دارند. چنانچه صرف تكرار كليدواژه‌هاي عنوان يك كتاب را به هر نحو در فهرست مندرجات همان كتاب، نشان از محتوانمايي مناسب عنوان كتابها در هر حوزه بدانيم، مي‌توان بيان داشت كه نسبت محتوانمايي عنوان كتابها در اين دو حوزه موضوعي بر ساير حوزه‌ها برتري دارد.

با استفاده از داده‌هاي گردآوري شده، نتايج و يافته‌هاي مرتبط با سؤالهاي فرعي پژوهش بدين ترتيب است:

سؤال چهارم پژوهش درباره ميزان همخواني كامل سرعنوانهاي پذيرفته شده با كليدواژه‌هاي عنوان و فهرست مندرجات در حوزه‌هاي مورد بررسي بوده است كه داده‌هاي جدول شماره 4، بيانگر وجود و يا نبودِ تفاوت معنادار در هر يك از حوزه‌هاي موضوعي نيز مي باشد.

**جدول 4. ميزان همخواني كامل ميان سرعنوانهاي موضوعي باكليدواژه‌هاي عنوان و فهرست مندرجات كتابهاي فارسي در حوزه‌هاي موضوعي مورد بررسي**

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **P** | **df** | **Chi** | **همخواني كامل**  **در فهرست مندرجات** | | **همخواني كامل**  **در عنوان** | |  |
| 042/0 | 1 | 154/4 | 402  (5/47%) | **جمع كليدواژه‌هاي فهرست مندرجات** | 77  (6/29%)  [[13]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn13" \o ") | **جمع كليدواژه‌هاي عنوان** | **علوم اجتماعي** |
| 1427 | 260 |
| 485/0 | 1 | 480/0 | 550  (8/33%) | 1628 | 124  (5/39%) | 314 | **علوم انساني** |
| 102/0 | 1 | 667/2 | 258  (21%) | 1229 | 64  (3/33%) | 192 | **علوم محض** |
| 274/0 | 1 | 195/1 | 177  (1/17%) | 1038 | 41  (8/23%) | 172 | **علوم كاربردي** |

همان‌گونه كه از داده‌هاي جدول بر مي‌آيد، ميزان همخواني كامل سرعنوانهاي موضوعي با كليدواژه‌هاي استخراج شده از عنوان كتابهاي حوزه علوم اجتماعي 6/29% و ميزان همخواني كامل ميان سرعنوانهاي موضوعي و كليدواژه‌هاي استخراج شده از فهرست مندرجات همان كتابها 5/47% مي‌باشد. در حالي كه در حوزه علوم انساني ميزان همخواني كامل ميان سرعنوانهاي موضوعي فارسي و كليدواژه‌هاي عنوان كتابها 5/39% و ميزان همخواني كامل ميان سرعنوانهاي موضوعي و كليدواژه‌هاي فهرست مندرجات آنها 8/33% مي‌باشد. همچنين، در حوزه علوم محض، ميزان همخواني كامل سرعنوانهاي موضوعي فارسي با كليدواژه‌هاي عنوان كتابها 3/33% و ميزان همخواني كامل سرعنوانهاي موضوعي با كليدواژه‌هاي فهرست مندرجات كتابها 21% و در حوزه علوم كاربردي نيز ميزان همخواني كامل سرعنوانهاي موضوعي با كليدواژه‌هاي عنوان كتابها 8/23% و ميزان همخواني كامل سرعنوانهاي موضوعي با كليدواژه‌هاي فهرست مندرجات آنها 1/17% است. يافته‌ها حاكي از آن است كه تنها در حوزه موضوعي علوم اجتماعي ميان ميزان همخواني كامل سرعنوانهاي موضوعي با كليدواژه‌هاي عنوان و فهرست مندرجات كتابها تفاوتي معنادار وجود دارد. به بيان ديگر، نمي‌توان به صورت قطعي اعلام كرد كه اصطلاحات پذيرفته شده توسط تدوين كنندگان سرعنوانهاي موضوعي فارسي، در هر يك از سه حوزه علوم انساني، علوم محض و علوم كاربردي بيشتر به كليدواژه‌هاي عنوان كتابها در اين حوزه‌ها نزديك‌ترند يا به كليدواژه‌هاي موجود در فهرست مندرجات. اين در حالي است كه وجود تفاوت معنادار ميان ميزان همخواني كامل سرعنوانهاي موضوعي فارسي با كليدواژه‌هاي عنوان و فهرست مندرجات كتابهاي فارسي در حوزه علوم اجتماعي، مي‌تواند بيانگر اين مطلب باشد كه در ميان كليدواژه‌هايي كه بدون تغيير از عنوان و فهرست مندرجات كتابهاي اين حوزه به منزله سرعنوان موضوعي پذيرفته شده استخراج مي شوند، نسبت به كليدواژه‌هايي كه از فهرست مندرجات استخراج شده اند به مراتب بيشتر است.

سؤال پنجم پژوهش در باره ميزان همخواني نسبي ميان سرعنوانهاي موضوعي و كليدواژه‌هاي عنوان و فهرست مندرجات در حوزه‌هاي مورد بررسي بوده كه داده‌هاي جدول شماره 5 بيانگر وجود و يا نبودِ تفاوت معنادار در هر يك از حوزه‌هاي موضوعي نيز هست.

**جدول5. ميزان همخواني نسبي ميان سرعنوانهاي موضوعي فارسي**

**و كليدواژه‌هاي عنوان در حوزه‌هاي مورد بررسي**

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **P** | **df** | **Chi** | **جمع** | **همخواني نسبي**  (انطباق نسبي با ارجاع "نگاه كنيد به") | **همخواني نسبي**  (انطباق با ارجاع "نگاه كنيد به") | **همخواني نسبي**  (تفاوت در مفرد و جمع) | **همخواني نسبي**  (املاي متفاوت) | **همخواني نسبي**  (سرعنوان پذيرفته شده با واژه‌هايي بيشتر يا كمتر از كليدواژه) | **همخواني نسبي**  (سرعنوان مقلوب) |  |
| 000/0 | 5 | 390/90 | 68 | 15  (05/22%) | 33  (52/48%) | 4  (89/5%) | 1  (48/1%) | 9  (24/13%) | 6  (82/8%) | **علوم اجتماعي** |
| 000/0 | 5 | 455/100 | 85 | 12  (11/14%) | 42  (41/49%) | 2  (36/2%) | 1  (18/1%) | 21  (7/24%) | 7  (24/8%) | **علوم انساني** |
| 000/0 | 5 | 240/128 | 58 | 6  (34/10%) | 33  (9/56%) | 2  (45/3%) | 5  (62/8%) | 11  (97/18%) | 1  (72/1%) | **علوم محض** |
| 000/0 | 4 | 329/128 | 46 | 10  (74/21%) | 24  (17/52%) | 3  (52/6%) | 1  (18/2%) | 8  (39/17%) | 0  (0/0%) | **علوم**  **كاربردي** |

از داده‌هاي جدول بر مي آيد كه تفاوتي معنادار ميان انواع همخواني نسبي در هر گروه وجود دارد. به بيان ديگر، نسبت هريك از انواع همخواني نسبي ميان سرعنوانهاي موضوعي فارسي و كليدواژه‌هاي موجود در عنوان كتابها در هر يك از چهار حوزه متفاوت است.

همخواني نسبي در حالت انطباق كامل با ارجاع «نگاه كنيد به» در هر چهار حوزه موضوعي مورد بررسي بيشترين ميزان را به خود اختصاص داده است (ستون ششم جدول) كه نشان مي‌دهد براي موضوع‌سازي در حوزه‌هاي علوم اجتماعي، انساني، محض و كاربردي، چنانچه كليدواژه‌هاي عنوان مناسب استفاده به منزله سرعنوان پذيرفته شده نباشند و يا پيشتر شكل ديگري از موضوع به منزله سرعنوان پذيرفته شده لحاظ شده باشد، به احتمال قوي از آن كليدواژه‌ها، بدون تغيير، در قالب ارجاع به موضوع پذيرفته شده مربوط، استفاده مي‌شود. در حوزه‌هاي علوم اجتماعي و علوم كاربردي پس از همخواني نسبي در حالت انطباق كامل با ارجاع «نگاه كنيد به»، رتبه دوم به همخواني نسبي در حالت انطباق نسبي با ارجاع «نگاه كنيد به» اختصاص مي‌يابد (ستون هفتم جدول)، در حالي كه در دو حوزه علوم انساني و علوم محض، همخواني نسبي در حالت انطباق با سرعنوان پذيرفته شده با واژه‌هايي كمتر يا بيشتر از كليدواژه استخراج شده در رتبه دوم قرار مي‌گيرد. در ميان ساير انواع همخواني نسبي، حالت املاي متفاوت كمترين ميزان را در هر چهار حوزه موضوعي به خود اختصاص مي دهد (ستون چهارم جدول).

به منظور تكميل پاسخ پرسش پنجم، جدول 6 نيز براي نشان دادن همخوانيهاي نسبي ميان سرعنوانهاي موضوعي فارسي و كليدواژه‌هاي استخراج شده از فهرست مندرجات در حوزه‌هاي مورد بررسي، ارائه مي‌شود.

**جدول 6. ميزان همخواني نسبي ميان سرعنوانهاي موضوعي فارسي و كليدواژه‌هاي فهرست مندرجات در حوزه‌هاي مورد بررسي**

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **P** | **df** | **Chi** | **جمع** | **همخواني نسبي**  (انطباق نسبي با ارجاع "نگاه كنيد به") | **همخواني نسبي**  (انطباق با ارجاع "نگاه كنيد به") | **همخواني نسبي**  (تفاوت در مفرد و جمع) | **همخواني نسبي**  (املاي متفاوت) | **همخواني نسبي**  (سرعنوان پذيرفته شده با واژه‌هايي بيشتر يا كمتر از كليدواژه) | **همخواني نسبي**  (سرعنوان مقلوب) |  |
| 000/0 | 5 | 758/114 | 347 | 77  (19/22%) | 185  (31/53%) | 19  (48/5%) | 8  (4/2%) | 47  (54/13%) | 11  (17/3%) | **علوم اجتماعي** |
| 000/0 | 5 | 720/89 | 392 | 69  (6/17%) | 176  (9/44%) | 8  (04/2%) | 12  (06/3%) | 110  (06/28%) | 17  (34/4%) | **علوم انساني** |
| 000/0 | 5 | 424/61 | 259 | 45  (37/17%) | 109  (08/42%) | 25  (65/9%) | 19  (34/7%) | 55  (24/21%) | 6  (32/2%) | **علوم محض** |
| 000/0 | 5 | 200/30 | 217 | 44  (28/20%) | 92  (4/42%) | 25  (52/11%) | 3  (38/1%) | 36  (59/16%) | 17  (83/7%) | **علوم**  **كاربردي** |

با توجه به داده‌هاي اين جدول، از ميان 1427 كليدواژه استخراج شده از فهرست مندرجات كتابهاي حوزه علوم اجتماعي 347 مورد (3/24%)، از ميان 1628 كليدواژه استخراج شده از فهرست مندرجات كتابهاي حوزه علوم انساني 392 مورد (1/24%)، از ميان 1229 كليدواژه استخراج شده از فهرست مندرجات كتابهاي حوزه علوم محض 259 مورد (1/21%) و از ميان 1038 كليدواژه استخراجي از فهرست مندرجات كتابهاي حوزه علوم كاربردي 217 مورد (9/20%) در قالب همخواني نسبي در آمده اند.

 داده‌ها و نتايج حاصل از آزمون تفاوت معناداري در اين جدول نيز با داده‌ها و نتايج جدول شماره 5 همراستاست. حجم بيشتر كليدواژه‌هاي استخراج شده نسبت به كليدواژه‌هاي عنوان در قالب همخوانيهاي نسبي از يك سو و شباهت اولويتهاي نتايج به دست آمده از سوي ديگر، مي‌تواند دليلي بر اين مدعا باشد. به عبارت ديگر، مي‌توان با قاطعيت بيشتري بيان داشت كه چنانچه اصولاً كليدواژه اي در متون مختلف به منزلة يك موضوع در سرعنوانهاي موضوعي فارسي در نظر گرفته شود (ويژگي نبودِ همخواني در باب آن صدق نكند) اما همخواني كاملي ميان آن كليدواژه و اصطلاح پذيرفته شده معادل آن موضوع وجود نداشته باشد، احتمال در نظر گرفتن كليدواژه مذكور در ساختار ارجاعي سرعنوانهاي موضوعي در دو حوزه علوم اجتماعي و علوم كاربردي بيش از ساير حوزه‌هاست؛ يعني، چنانچه تدوين كنندگان سرعنوانهاي موضوعي در دو حوزه مذكور، كليدواژه اي خاص را مناسب پذيرفته شدن ندانند، احتمالاً آن را بدون تغيير و يا با حداقل تغيير (همخواني نسبي با ارجاع «نگاه كنيد به») در قالب ارجاعي به سرعنوان پذيرفته شدة مربوط قرار مي‌دهند.

سؤال ششم پژوهش در باره ميزان نبودِ همخواني ميان سرعنوانهاي موضوعي فارسي و كليدواژه‌هاي عنوان و فهرست مندرجات در حوزه‌هاي مورد بررسي بوده است كه داده‌هاي جدولهاي 7و8 ، بيانگر وجود و يا نبودِ تفاوت معنادار در هر يك از حوزه‌هاي موضوعي نيز هست.

**جدول7. نبودِ همخواني ميان سرعنوانهاي موضوعي فارسي**

**وكليدواژه‌هاي عنوان در حوزه‌هاي موضوعي مورد بررسي**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **P** | **df** | **Chi** | **جمع** | **نبودِ همخواني كامل** | **نبودِ همخواني**  (نبودارجاع) |  |
| 689/0 | 1 | 160/0 | 115 | 60  (17/52%) | 55  (83/47%) | **علوم  اجتماعي** |
| 317/0 | 1 | 000/1 | 105 | 58  (24/55%) | 47  (76/44%) | **علوم انساني** |
| 230/0 | 1 | 440/1 | 70 | 39  (71/55%) | 31  (29/44%) | **علوم محض** |
| 016/0 | 1 | 760/5 | 85 | 53  (35/62%) | 32  (65/37%) | **علوم كاربردي** |

داده‌ها و نتايج آزمون بررسي تفاوت معنادار، بيانگر نبود تفاوت معنادار ميان دو نوع نبود همخواني در حوزه‌هاي علوم اجتماعي، علوم انساني و علوم محض است. در حالي كه در حوزه علوم كاربردي، تفاوتي معنادار ميان نبود همخواني در حالت نبود ارجاع با نبود همخواني كامل وجود دارد. نبود تفاوت معنادار براي علوم اجتماعي، علوم انساني و علوم محض بيانگر اين مطلب است كه در هيچ يك از حوزه‌هاي موضوعي مذكور، ميزان كليدواژه‌هايي كه از نظر واژگاني در سرعنوانهاي موضوعي فارسي وجود ندارند اما موضوع مرتبط با آنها در سرعنوانها لحاظ شده است، با ميزان كليدواژه‌هايي كه موضوع آنها در فهرست سرعنوانها در نظر گرفته نشده، تفاوت چنداني ندارد. اين مسئله نشان مي‌دهد در سه حوزه موضوعي پيش گفته، نياز به تدوين موضوعهاي جديد به همان ميزان نياز به تهيه ارجاعهاي جديد براي موضوعهاي پيشين وجود دارد.

اين در حالي است كه در حوزه علوم كاربردي، تفاوتي معنادار ميان دو نوع نبود همخواني مشاهده مي‌شود. با توجه به نسبت هريك از انواع نبود همخواني‌، مي‌توان بيان داشت به احتمال در حوزه موضوعي علوم كاربردي، درصد كليدواژه‌هايي كه تا كنون موضوع مرتبط با آنها نيز در فهرست سرعنوانهاي موضوعي فارسي وارد نشده، نسبت به مواردي كه ارجاعي براي آنها در نظر گرفته نشده، بيشتر است. نظر به اينكه به صورت منطقي كليدواژه‌هاي به كار رفته در عنوان كتابها نسبت به كليدواژه‌هاي متن و يا فهرست مندرجات عام تر هستند، و نيز با توجه به اينكه نبود موضوع مرتبط با كليدواژه مي‌تواند به منزله نقص محسوب شود، احتمالاً تدوين كنندگان سرعنوانهاي موضوعي در اين حوزه ضعيف تر عمل كرده اند.

جدول 8 ، چگونگي نبود همخواني را ميان سرعنوانهاي موضوعي فارسيو كليدواژه‌هاي استخراج شده از فهرست مندرجات كتابها، مورد بررسي قرار مي‌دهد.

**جدول 8. نبودِ همخواني ميان سرعنوانهاي موضوعي فارسي**

**و كليدواژه‌هاي فهرست مندرجات در حوزه‌هاي موضوعي مورد بررسي**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **P** | **df** | **Chi** | **جمع** | **نبودِ همخواني كامل** | **نبودِ همخواني**  (نبودِ ارجاع) |  |
| 009/0 | 1 | 760/6 | 678 | 426  (83/62%) | 252  (17/37%) | **علوم  اجتماعي** |
| 03/0 | 1 | 000/9 | 686 | 448  (31/65%) | 238  (69/34%) | **علوم انساني** |
| 000/0 | 1 | 960/40 | 712 | 581  (6/81%) | 131  (4/18%) | **علوم محض** |
| 000/0 | 1 | 812/27 | 644 | 487  (62/76%) | 157  (38/24%) | **علوم كاربردي** |

داده‌ها و نتايج آزمون بررسي تفاوت معنادار در اين جدول حاكي از وجود تفاوت ميان دو نوع نبودِ همخواني در هر چهار حوزه موضوعي مورد بررسي است. به بيان ديگر، با توجه به نسبتهاي ارائه شده در جدول، ميزان نبودِ همخواني كامل ميان سرعنوانهاي موضوعي فارسي و كليدواژه‌هاي استخراج شده از فهرست مندرجات كتابها در چهار حوزه موضوعي مورد بررسي، بيشتر از ميزان نبودِ همخواني در حالت عدم وجود ارجاع است. به عبارت ديگر، در فهرست مندرجات كتابهاي حوزه‌هاي موضوعي مورد بررسي، ميزان كليدواژه‌هايي كه در سرعنوانهاي موضوعي وجود ندارند و موضوع مرتبط با آنها نيز در سرعنوانهاي موضوعي فارسي در نظر گرفته نشده، بيشتر است.

به منظور تكميل بحث فوق، جدولهاي 9 و 10 جهت بررسي وضعيت كلي ميزان همخواني (كامل، نسبي و نبودِ همخواني) سرعنوانهاي موضوعي با كليدواژه‌هاي عنوان و فهرست مندرجات در هر يك از حوزه‌هاي موضوعي مورد بررسي، ارائه مي‌شود.

**جدول 9. چگونگي همخواني هاي ميان سرعنوانهاي موضوعي فارسي**

**وكليدواژه‌هاي عنوان در حوزه‌هاي موضوعي مورد بررسي**

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **P** | **df** | **Chi** | **جمع** | **نبودِ همخواني** | **همخواني نسبي** | **همخواني كامل** |  |
| 069/0 | 2 | 360/5 | 260 | 115  (2/44%) | 68  (2/26%) | 77  (6/29%) | **علوم  اجتماعي** |
| 281/0 | 2 | 540/2 | 314 | 105  (4/33%) | 85  (1/27%) | 124  (5/39) | **علوم انساني** |
| 691/0 | 2 | 740/0 | 192 | 70  (5/36%) | 58  (2/30%) | 64  (3/33%) | **علوم محض** |
| 004/0 | 2 | 80/11 | 172 | 85  (4/49%) | 46  (7/26%) | 41  (8/23%) | **علوم كاربردي** |

با توجه به نبودِ تفاوت معنادار ميان وضعيتهاي همخواني سرعنوانهاي موضوعي فارسي و كليدواژه‌هاي عنوان در حوزه‌هاي علوم اجتماعي، علوم انساني و علوم محض، نمي‌توان بيان داشت در كار تدوين سرعنوانهاي موضوعي در هر يك از حوزه‌هاي مورد نظر، ميزان انطباق كامل و يا نسبي سرعنوانهاي موضوعي فارسي با كليدواژه‌هاي عنوان متون بيشتر است يا ميزان عدم همخواني آنها با كليدواژه‌هاي مذكور.

اما با توجه به وجود تفاوت معنادار در حوزه علوم كاربردي از نظر وضعيت همخواني سرعنوانهاي موضوعي با كليدواژه‌هاي عنوان و نيز نظر به اين امر كه نسبت «نبود همخواني» در اين حوزه بالاتر از ميزان هر يك از دو نوع همخواني ديگر است، مي‌توان بيان داشت در حوزه علوم كاربردي، به لحاظ ميزان تبعيت اصطلاحهاي پذيرفته شده سرعنوانهاي موضوعي فارسي و ارجاعهاي آنها از كليدواژه‌هاي عنوان كتابها، ضعيف‌تر عمل شده است.

**جدول 10. چگونگي همخواني هاي ميان سرعنوانهاي موضوعي فارسي**

**وكليدواژه‌هاي فهرست مندرجات در حوزه‌هاي موضوعي مورد بررسي**

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **P** | **df** | **Chi** | **جمع** | **نبودِ همخواني** | **همخواني نسبي** | **همخواني كامل** |  |
| 007/0 | 2 | 920/9 | 1427 | 678  (5/47%) | 347  (3/24%) | 402  (2/28%) | **علوم  اجتماعي** |
| 087/0 | 2 | 880/4 | 1628 | 686  (1/42%) | 392  (1/24%) | 550  (8/33%) | **علوم انساني** |
| 000/0 | 2 | 380/27 | 1229 | 712  (9/57%) | 259  (1/21%) | 258  (21%) | **علوم محض** |
| 000/0 | 2 | 220/37 | 1038 | 644  (62%) | 217  (9/20%) | 177  (1/17%) | **علوم كاربردي** |

جدول 10، ميزان همخواني هاي كامل، نسبي و نبودِ همخواني سرعنوانهاي موضوعي فارسي با كليدواژه‌هاي فهرست مندرجات را در حوزة علوم اجتماعي، علوم انساني، علوم محض و علوم كاربردي نشان مي‌دهد. در حوزه علوم انساني، ميان انواع همخواني كامل، نسبي و نبودِ همخواني سرعنوانهاي موضوعي فارسي با كليدواژه‌هاي فهرست مندرجات كتابها تفاوت معناداري وجود ندارد. اين در حالي است كه با توجه به داده‌هاي جدول 4 و نبودِ تفاوت معنادار ميان همخواني هاي كامل عنوان و فهرست مندرجات در اين حوزه، چنين مي‌توان برداشت كرد كه در شرايط فعلي در تدوين سرعنوانهاي موضوعي، ميزان توجه به كليدواژه‌هاي فهرست مندرجات و عنوان كتابها در حوزه علوم انساني تقريبا يكسان بوده است. بنابراين، تدوين كنندگان سرعنوانهاي موضوعي فارسي در انتخاب اصطلاحهاي پذيرفته شده و ايجاد ارجاعهاي مربوط به آنها، نسبت به كليدواژه‌هاي عنوان و فهرست مندرجات كتابهاي حوزه علوم انساني، نگاهي نسبتاً يكسان دارند.

وجود تفاوت معنادار ميان وضعيتهاي همخواني در هر يك از حوزه‌هاي علوم اجتماعي، علوم محض و علوم كاربردي و نيز بالاتر بودن درصد نبودِ همخواني در هر يك از اين حوزه‌ها، مي‌تواند بيانگر توجه كمتر تدوين كنندگان سرعنوانهاي موضوعي به كليدواژه‌هاي به كار رفته در فهرست مندرجات كتابهاي حوزه‌هاي ياد شده باشد.

سؤال هفتم پژوهش درباره ميزان همخواني ميان فهرست مندرجات و كليدواژه‌هاي عنوان كتابهاي فارسي در حوزه‌هاي مورد بررسي بوده است. داده‌هاي جدولهاي 11 و 12 بيانگر وجود و نبودِ تفاوت معنادار در هر يك از حوزه‌هاي موضوعي است.

**جدول 11. ميزان همخواني ميان كليدواژه‌هاي عنوان**

**و فهرست مندرجات كتابهاي فارسي در حوزه‌هاي مورد بررسي**

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **P** | **df** | **Chi** | **جمع** | **همخواني نسبي**  (با بخشي از كليدواژه در فهرست) | **همخواني نسبي**  (با يك يا دو واژه اضافه) | **همخواني كامل**  (با كمتر از 5 تكرار) | **همخواني كامل**  (با بيش از 5 تكرار) |  |
| 000/0 | 3 | 200/39 | 180 | 50  (78/27%) | 4  (22/2%) | 82  (56/45%) | 44  (44/24%) | **علوم اجتماعي** |
| 000/0 | 3 | 802/58 | 209 | 23  (11%) | 14  (7/6%) | 116  (5/55%) | 56  (8/26%) | **علوم انساني** |
| 000/0 | 3 | 293/66 | 89 | 18  (22/20%) | 1  (12/1%) | 51  (31/57%) | 19  (35/21%) | **علوم محض** |
| 000/0 | 3 | 400/32 | 114 | 32  (07/28%) | 2  (75/1%) | 33  (95/28%) | 47  (23/41%) | **علوم كاربردي** |

نتايج، مبيّن وجود تفاوت معنادار قوي ميان انواع همخواني كامل و نسبي در هرحوزه موضوعي است. در سه حوزه موضوعي علوم اجتماعي، علوم انساني و علوم كاربردي، همخواني كامل كليدواژه‌هاي عنوان با فهرست مندرجات با كمتر از 5 تكرار در اولويت اول قرار دارد و با توجه به اينكه پس از همخواني كامل با كمتر از 5 تكرار، همخواني كامل كليدواژه‌ها با بيش از 5 تكرار در فهرست مندرجات، رتبه بعدي را در سه حوزه علوم انساني و علوم محض كسب مي كند، مي‌توان بيان داشت چنانچه صرف تكرار كليدواژه‌هاي عنوان در فهرست مندرجات كتاب نشانه اي از محتوانمايي عنوان باشد، ميزان محتوانمايي عنوان و كليدواژه‌هاي به كار رفته در آنها در اين سه حوزه موضوعي در سطح مطلوبي قرار دارد.

نبودِ همخواني ميان كليدواژه‌هاي عنوان و فهرست مندرجات كتابها دو حالت دارد؛ يا كليدواژه عنوان در فهرست مندرجات وجود ندارد و از طرفي با محتواي كتاب هم ارتباط مستقيمي ندارد و يا كليدواژه استخراج شده در فهرست مندرجات وجود ندارد اما در پيوند مستقيم با محتواي كتاب است. جدول شماره 12، چگونگي ميزان نبودِ همخواني در هريك از حوزه‌هاي موضوعي را بررسي و نشان مي‌دهد.

**جدول 12. ميزان نبودِ همخواني كليدواژه‌هاي عنوان كتابهاي فارسي**

**با فهرست مندرجات آنها در حوزه‌هاي موضوعي مورد بررسي**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **P** | **df** | **Chi** | **جمع** | **نبودِ همخواني**  (غيرمحتوا نما) | **نبودِ همخواني**  (محتوا نما) |  |
| 000/0 | 1 | 950/29 | 80 | 18  (5/22%) | 62  (5/77%) | **علوم  اجتماعي** |
| 000/0 | 1 | 240/67 | 105 | 9  (57/8%) | 96  (43/91%) | **علوم انساني** |
| 000/0 | 1 | 640/33 | 103 | 22  (36/21%) | 81  (64/78%) | **علوم محض** |
| 000/0 | 1 | 840/51 | 56 | 8  (29/14%) | 48  (71/85%) | **علوم كاربردي** |

با توجه به وجود تفاوت معنادار ميان انواع نبودِ همخواني‌ در تمام حوزه‌هاي مورد بررسي از يك سو و نيز نظر به اينكه در هر چهار حوزه موضوعي مشخصاً نبودِ همخواني در حالت محتوانما بيشترين ميزان را به خود اختصاص داده است، در نهايت با توجه به داده‌هاي جدول حاضر و جدول 11، مي‌توان چنين بيان داشت كه به طور كلي محتوانمايي عنوان، چه در قالب نبودِ همخواني واژگاني و چه در قالب همخواني هاي كامل و نسبي ـ در تمامي حوزه‌هاي موضوعي بيش از 80% بوده و مطلوبيت مناسبي دارند.

به منظور بررسي كلي چگونگي همخواني واژگاني و نبودِ همخواني واژگاني در هر حوزه موضوعي، فراواني كليه همخواني هاي نسبي و كامل از يك‌سو و فراواني كليه نبودِ همخواني‌هاي محتوانما و غير محتوانما از سوي ديگر، در جدول 13 ارائه مي‌شود.

**جدول13. چگونگي همخواني ميان كليدواژه‌هاي عنوان**

**و فهرست مندرجات كتابها در حوزه‌هاي موضوعي مورد بررسي**

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **P** | **df** | **Chi** | **جمع** | **نبودِ همخواني** (غيرمحتوانما) | **نبودِ همخواني** (محتوانما) | **همخواني نسبي** | **همخواني كامل** |  |
| 000/0 | 3 | 307/36 | 260 | 18  (9/6%) | 62  (8/23%) | 54  (8/20%) | 126  (5/48%) | **علوم اجتماعي** |
| 000/0 | 3 | 921/62 | 314 | 9  (9/2%) | 96  (6/30%) | 37  (7/11%) | 172  (8/54%) | **علوم انساني** |
| 000/0 | 3 | 743/32 | 192 | 22  (5/11%) | 81  (2/42%) | 19  (8/9%) | 70  (5/36%) | **علوم محض** |
| 000/0 | 3 | 720/36 | 172 | 8  (7/4%) | 48  (2/28%) | 34  (20%) | 80  (1/47%) | **علوم كاربردي** |

نتايج حاصل از آزمون بررسي تفاوت معنادار ميان هر يك از وضعيتهاي همخواني ميان كليدواژه‌هاي عنوان و فهرست مندرجات در هر يك از چهار حوزه موضوعي مورد بررسي، نشانگر وجود تفاوت معنادار قوي است. در اين ميان، همخواني كامل يعني شرايطي كه كليدواژه موجود در عنوان كتاب دقيقاً در فهرست مندرجات نيز تكرار شود، بيشترين نسبت را به خود اختصاص مي دهد. در اولويت دوم، نبودِ همخواني محتوانما قرار مي گيرد. اين بدان معناست كه در حوزه‌هاي موضوعي مختلف، پس از همخواني كامل، با وجود اينكه بسياري از كليدواژه‌هاي عنوان در فهرست مندرجات مطرح نمي‌شوند، كليدواژه‌ها محتوانمايي مناسبي دارند.

**نتيجه‌گيري**

بررسي و مقايسه وضعيت همخواني سرعنوانهاي موضوعي در شرايط فعلي با كليدواژه‌هاي عنوان و فهرست مندرجات كتابهاي فارسي، مي‌تواند بيانگر ميزان همخواني اصطلاحات پذيرفته شده و ارجاعات آنها با واحدهايي مفهومي باشد كه در متون به كار مي‌روند. بيشتر بودن ميزان اين همخواني‌ها در هريك از حوزه‌هاي موضوعي علوم اجتماعي، علوم انساني، علوم محض و علوم كاربردي، بيانگر پايبندي هرچه بيشتر تدوين كنندگان سرعنوانهاي موضوعي فارسي به اصل ضمانت ادبي است.

با توجه به يافته‌هاي پژوهش حاضر، ميزان توجه به كليدواژه‌هاي عنوان، با وجود اينكه شرايط همخواني مناسب را كسب مي كنند، بخصوص در حوزه علوم كاربردي مطلوب نيست. بنابراين، به منظور بهبود وضعيت اجراي اصل ضمانت ادبي در تدوين سرعنوانهاي موضوعي فارسي، لزوم توجه بيشتر به كليدواژه‌هاي عنوان در كليه حوزه‌هاي موضوعي بويژه علوم محض و علوم كاربردي، ضروري است.

همچنين، با استناد به همين داده‌ها مي‌توان بيان داشت در تدوين سرعنوانهاي موضوعي فارسي، توجه بيشتر به كليدواژه‌هاي فهرست مندرجات كه در پيوند مستقيم با محتواي كتابها هستند نيز، بخصوص در دو حوزه علوم محض و علوم كاربردي كه ميزان همخواني هاي محاسبه شده در آنها از همخواني مناسب پايين‌تر است، لازم به نظر مي‌رسد.

با توجه به يافته‌هاي پژوهش و نبود همخواني مناسب بويژه در حوزه علوم كاربردي كه بيشترين ميزان نبودِ همخواني‌ها را نيز به خود اختصاص مي‌داد، بايد بيان داشت، توجه بيشتر به اصل ضمانت ادبي در تدوين سرعنوانهاي موضوعي فارسي در اين حوزه لازم‌الاجرا ست.

**منابع**

بزرگي، اشرف السادات (1370). «بررسي ميزان سازگاري موضوعها و عنوانها در كتابهاي فارسي». فصلنامه كتاب. دوره 2، بهار- زمستان، 145 - 114.

--------- (1377). بررسي ميزان سازگاري عنوانها و موضوعهاي كتابهاي فارسي منتشر شده درايران در فاصله سالهاي 1365 – 1375. پايان نامه دكتري. تهران: دانشگاه آزاد اسلامي واحد علوم و تحقيقات.

شاپوري، سودابه (1379). بررسي مشكلات جستجوي موضوعي استفاده‌كنندگان رايانه اي كتابخانه مركزي دانشگاه فردوسي مشهد. پايان نامه كارشناسي ارشد. مشهد: دانشكده علوم تربيتي و روانشناسي.

مك ايوان، اندرو (1379). استفاده ازسرعنوانهاي موضوعي كتابخانه كنگره: هزينه همكاري براي رسيدن به دسترس پذيري. ترجمه مجتبي اسدي. گزيده مقالات ايفلا 98 (آمستردام: 16 – 21 اوت 1998) (ص. 47 – 59). تهران: كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران.

Christ, John M. (1972). A Comparison of Sociology Terms with Library Subject Headings. Concepts and Subject Headings (PP. 93 – 123). Metuchen: Scarecrow.

Frost, Carolyn O. (1989). Title words as entry vocabulary to LCSH: correlation between assigned LCSH terms and derived terms from titles in bibliographic records with implications for subject access in online catalogs. Cataloging & Classification Quarterly. 10 (1/2), 165-179.

Gross, Tina & Taylor, Arlene G. (2005). What Have We Got to Lose? The Effect of Controlled Vocabulary on Keyword Searching Results. College & Research Libraries. Vol. 66(3), 212 – 230. Retrieved August 2, 2006, From <

| What is this?  DAP Link VerifierDAP Link Verifier | |
| --- | --- |
| Name: | **Gross.pdf** |
| Size: |  |
| URL: | http://www.ala.org/ala/acrl/acrlpubs/%20...urnal/backissues2005a/crlmay05/Gross.pdf |
| Status | File does not exist (0) - General Error |
| [More ▼](javascript:%20void(0);)  [*Download* ***with DAP***](javascript:%20void(0);) | |

[Settings](http://127.0.0.1:10029/settings/)    [Report this link](http://127.0.0.1:10029/report/)  
 [Disable for this session only](javascript:%20void();)

[www.ala.org/ala/acrl/acrlpubs/ crljournal/backissues2005a/crlmay05/Gross.pdf](http://www.ala.org/ala/acrl/acrlpubs/%20crljournal/backissues2005a/crlmay05/Gross.pdf)>

Keller, Barbara (1992). Subject Content through Title: A Master Matching Study in Indian State University. Cataloging and Classification Quarterly. 15(3), 69 – 80.

Mc Clellan, Edna (2003). " Subject headings for OCLC Rare book Records: A Case Study". OCLC Systems and Services. 19(3), 100 – 105. Retrieved August 2, 2006 From EMERALD database.

Wildermuth, Barbara M. (2004). The Effects of Domain Knowledge on Search Tactic Formulation. Journal of the American Society for Information Science and Technology. 55(3), 246 – 258.

Winke, Conrad (1998). An Analysis of Tables of Contents in Recent English – Language Books. Library Resources & Technical Services. Vol. 43(1), 15 – 27.

1. دانشيار دانشكده علوم تربيتي و روانشناسي دانشگاه فردوسي مشهد.

2. دانشجوي دوره دكتراي علوم كتابداري و اطلاع‌رساني دانشگاه فردوسي مشهد.

1. Wildermuth

2. Literary Warrant.

1. Use Warrant.

1. Christ.

2. Frost.

3. Cheryl Wise.

1. Keller.

2. Winke.

3. Mc Clellan.

1. به واسطه ماهيت روانشناسي، به صورت قراردادي در گروه علوم اجتماعي در نظر گرفته خواهد شد.

1. درصدهاي فراواني در اين جدول نسبت به كل كليدواژه ها در هر حوزه براي عنوان و فهرست مندرجات سنجيده مي شوند و به همين خاطر مجموع آنها در اين جدول برابر 100 نخواهد بود. لازم به توضيح است، درصدهاي مذكور نسبت كه جمع ارائه شده، در ستون مجاور برآورد شده اند.